

پیشہ‌گر

پیشہ‌های

raig در آذربایجان

تألیف

زهره وفائی

(تبریز)

پیشنهاد

پیشنهای

raig در آذربایجان

تألیف

زهره وفائی

(تبریز)

وفائی، زهره، ۱۳۳۲ -

پیشہ‌لر: پیشه‌های رایج در آذربایجان / تألیف زهره وفائی. - تبریز: زینب (س)، ۱۳۷۸.

۴۰ ص.

ISBN 964-92431-3-5

فهرست نویسی براساس اطلاعات فیپا.

ترکی - فارسی.

۱. کسب و کار جزئی - ایران - تبریز.

الف. عنوان. ب. عنوان: پیشه‌های رایج در آذربایجان.

HD ۲۲۴۶ / ۱۹ هزار

۷۸-۱۷۸۴۸

کتابخانه ملی ایران

۳۳۸/۶۴۴۰۹۵۵۳۲۲



انتشارات زینب

نشانی: تبریز - ص. پ ۵۱۳۳۵ - ۳۳۶۹

تلفن ۰۴۱ - ۸۷۱۰۰۶

نام کتاب: پیشہ‌لر (پیشه‌های رایج در آذربایجان)

مؤلف: زهره وفائی

ناشر: انتشارات زینب (تبریز)

نوبت چاپ: اول ۱۳۷۸

تیراش:

تعداد صفحات: ۴۰

قطعه: رقعي

شابک: ۹۶۴-۹۲۴۳۱-۳-۵

ISBN 964-92431-3-5

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ

و

هُوَ الرَّزَّاقُ

تقديم اولونور:

چاليشقان، يورو لماز و
حلال امه ک آختاران
آذربايجانلى لارا...

مقدمه

پیشه‌ها و صنعت‌های رایج در هر منطقه و ولایتی به نسبت فرهنگ اجتماعی، مذهبی، اعتقادی و نیز به نسبت نوع آب و هوا، محصولات کشاورزی و توان اقتصادی آن منطقه با دیگر مناطق متفاوت است. آذربایجان منطقه‌ای است سرد و بارانی با محصولات متتنوع کشاورزی، با اقتصادی که دائمًا با کشورهای همسایه در ارتباط می‌باشد با وجه تمایزی قابل ملاحظه در زمینه سیاست، با معادن مختلف، با دریا و رودخانه و جنگل و کوه... با مردمانی سخت‌کوش و عاشق‌کار و کوشش و با چنین خصوصیاتی بجا خواهد بود که تنوع شغل در این منطقه بیش از آن باشد که بنده جمع‌آوری نموده‌ام. لذا این گردآوری را مختص به «مکان» تبریز و «زمان» صد سال اخیر می‌نمایم. برخی از پیشه‌ها در نقاط دیگر هم شناخته شده است (شاید با نامی دیگر) اما برخی از آنها مختص آذربایجان است. وسایل و ملزومات این پیشه‌ها تا حد امکان توضیح داده شده است و اینکه این شغل مربوط به مردان است یا زنان و یا هر دو، نیز ذکر گردیده است.

امیدوارم این مجموعه موجب رضایت علاقمندان و محققان فرهنگ مردم و عامه را فراهم آورده باشد.

زهره وفائی

۱۳۷۷/۹/۷

- آبدارچی** - مرد یا زنی که چای یا دیگر نوشیدنیهای فصل را سرو می‌کند.
- آبگیر** - مرد یا زنی که در حمامهای عمومی به پخش آب داغ و تمیز مبادرت می‌نماید.
- آتلی** - مردی که همواره سوار بر اسب آماده خدمات جنگی، شکار و پیام رسانی است.
- آتیجی** - مردی که به همراه شکارچیان جهت تیراندازی عازم می‌شود.
- آجان** - مردی که کار حراست از مراکز مهم اداری و کشوری را عهده‌دار است.
- آجان باشی** - مردی که سر دسته آجان^۱ هاست.
- آخوند** - مردی یا زنی که به کار تدریس قرآن برای کودکان نوآموز می‌پردازد.

- آخیرچی**
- مردی که مسئول تعلیق دامها و بهداشت آخورهاست.
- آدام**
- مرد یا زنی که به عنوان خدمتکار مخصوص کسی انجام وظیفه می‌نماید.
- آرایاچی**
- مردی که هدایت ارابه، ماشین و دیگر خودروها را به عهده دارد.
- آراچی**
- مرد یا زنی که حکم آشتی دهنده یا واسطه آشتی بین افراد و معاملات است.
- آرشین مالچی** - مرد یا زنی که پارچه‌های قواره‌ای را به در خانه‌ها برده و می‌فروشد.
- آشچی**
- مرد یا زنی که به کار آشپزی، از نوع سبک آن، می‌پردازد.
- آغ ساققال**
- پیرمردی که کار قضاوت بین مردم و خانواده را به عهده دارد.
- آغا**
- مردان اخته‌ای که جهت خدمت در اندرون و منازل بانوان به کار گرفته می‌شوند.
- آفتتابادر**
- مرد یا زنی که در توالت‌های عمومی مسئول بهداشت و آفتابه است.
- آخوند**
- مردی که حکمهای مذهبی را جاری می‌کند.
- آل وئرجی**
- مرد یا زنی که به کار خرید و فروش اشتغال دارد.
- آلیچی**
- مرد یا زنی که کار خرید مواد و کالا را عهده‌دار است.
- آیاقچی**
- مرد یا زنی که کار ارائه می‌را در میخانه‌ها عهده‌دار

است. (ساقی)

آبی اوینادان - مردی که با رقصاندن خرس امرار معاش می‌نماید.
ائشیک آغاسی - مردی که مستول امور تشریفات بیرون از دربار و یا منزل است.

ائلدار - مرد یا زنی که در منازل رفت و آمد می‌نماید و به کارهای محوله می‌پردازد.

ائلچی زنی - مردی که پیامهای سران قوم را به یکدیگر می‌رساند. که مسئولیت خواستگاری از دختری را عهده‌دار است.

اذانچی اسکی‌چی - مردی که کار اذان گفتن به موعد را عهده‌دار است.
اسکی‌چی اشتعال دارد. - مردی که به کار خرید و فروش لوازم و لباسهای کهنه اشتعال دارد.

اسکی‌یووان - زنی که کار شستن کهنه‌های بچه خانواده یا خانواده‌هایی را عهده داراست.

اکینچی الکچی - مرد یا زنی که به کار کشاورزی مشغول است.
الکچی - مردی که با کار بافتن الک^۲ امرار معاش می‌نماید.
- مردی که به کار الک کردن انواع خواربار استفاده می‌شود.

امه‌کدار - مرد یا زنی که در برابر مزدی معین به استخدام کسی در می‌آید.

اویاش - مردی که جهت قدره^۳ کشی و ایجاد رعب به کار گرفته می‌شود.

- مرد یا زنی که به کار تعلیق دامها در مراتع می‌پردازد. اوتاران
- کودکی که به تحصیل مشغول است. اوخوجو
- مرد یا زنی که قرآن را به خوبی می‌خواند. اوخوچو
- مردی که تیرانداز ماهری است و به کار رزم می‌آید. اوچی
- زن یا مردی که در کار پختن نان سمت پهن کردن اوخلوجی خمیر نان را دارد.^۴
- مرد یا زنی که به کار خواندن با صوت می‌پردازد. اوخویان
- مرد یا زنی که کار حراست از اطاق‌های مهم قصر، خانه اودا باشی و حرم‌سرا را به عهده دارد.
- مردی که به کار شکستن هیزم می‌پردازد. اودونچی
- مرد یا زنی که به کار شفا دادن بیماران با ورد و دعا او دومچی اشتغال دارد.
- مردی که موقع درو به مزرعه‌داران کمک می‌کند. اوراخچی
- مردی که به همراه ساز نقل داستان‌های باستان را اوزان می‌نماید.
- مردی که کار هدایت کاروان شترها را عهده‌دار است. او سارچی
- مرد یا زنی که در حمام پول می‌گیرد و امورات حمام را اوستا اداره می‌کند.
- مرد یا زنی که با خواندن وردها و دعاهای مخصوص او سونچی مار و عقرب را از لانه‌هایشان بیرون آورده و بیهوش و گرفتار می‌کند.

اونچی	- مردی که به کار آرد، آرد کردن گندم و یا فروش آرد مشغول است.
اونباشی	- مردی که سرپرستی ده نفر از سپاه را عهده‌دار است.
اولگوش سالان	- مردی که اصلاح سرو صورت می‌کند با اولگوش. ^۵
اووباشی	- مردی که هدایت شکارچیان را به عهده دارد.
اووچو	- مردی که به کار شکار می‌پردازد.
اویرنجی	- کودکی که به کار تحصیل می‌پردازد.
اویرتمهن	- مرد یازنی که کار تدریس را عهده‌دار است.
اویون باز	- مرد یازنی که با کارهای آکروباتیک مجالس عروسی و شادی را رونق می‌بخشد.
ایاقچی	- مرد یازنی که در کارهای حمام، آب رسانی و دیگر وسائل، ارائه خدمات می‌نماید.
ایپچی	- مردی که به کار تولید طناب و یا فروش و یا واردات و صادرات طناب می‌پردازد.
ایپه‌کچی	- مرد یازنی که به کار پرورش کرم ابریشم و تولید و فروش ابریشم می‌پردازد.
ایلخچی	- مردی که عهده‌دار پرورش و نگهداری از اسب است.
ایلمه‌کچی	- مرد یازنی که در برابر مزد معین به کار بافتن فرش می‌پردازد.
ایمه‌جی	- مرد یازنی که فرش می‌بافد.
ایشچی	- مرد یازنی که در برابر مزد به کار موقت گرفته می‌شود.

اینه ووران	- مرد یا زنی که به کار تزریق آمپول می‌پردازد.
بالتاجی	- مردی که با تبر به شکستن هیزم اشتغال دارد.
بافتاجی	- مردی که به کار بافتن بافته ^۶ و یا خرید و فروش «بافته» اشتغال دارد.
بالیقچی	- مردی که ماهیگیری کار اوست. خرید و فروش ماهی.
باسقی‌چی	- مردی که در چاپخانه حروفچینی می‌نماید.
باغچاچی	- مرد یا زنی که به کار پرورش میوه‌جات و سبزیجات اشتغال دارد.
بایitar	- مردی که به بیماری دامها رسیدگی می‌کند. دامپزشک.
باخیجی	- مرد یا زنی که به کار کف‌بینی و فال‌بینی مشغول هستند.
باخشمال	- مرد یا زنی که به کمک مرد یا زن دیگر می‌رود.
باغبان	- مردی که به کار پرورش درخت می‌پردازد.
باسیننجی	- مردی که در چاپخانه به کار چاپ مشغول است.
باسیجی	- همان باسقی‌چی می‌باشد.
باش یاران	- مردی که در روز عاشورا قمه می‌زند. ^۷
باشچی	- مرد و زنی که سرپرستی عده‌ای را در کارگاهی به عهده دارد.
باشماقچی	- مردی که به کار دوختن کفش، یا خرید و فروش آن، یا واردات و صادرات آن می‌پردازد.
باشماق چوتله‌یهن	- مرد یا زنی که کارش مرتب کردن و حفاظت از کفشها در مراسم مختلف است.

- باققال**
- مردی که به کار خرید و فروش ارزاق عمومی اشتغال دارد.
- بچی**
- مردی که با دعا و ورد ترس حاکم بر جان کسی را برمی‌دارد.
- بخیه و وران**
- مرد یا زنی که به زخم‌ها بخیه می‌زند.
- بخارچی**
- مردی که لباسها را با اطوطی بخار اطوط می‌زند.
- بزه‌کچی**
- زنی که کار آرایش دیگر زنها را عهده‌دار است.
- بکچی**
- مردی که مسئول حراست از محله‌هاست.
- بنّا**
- مردی که کار ساختن ساختمانها و اینه را عهده‌دار است.
- بُنکدار**
- مردی که به کار فروش و واردات و صادرات عمده پارچه می‌پردازد.
- بوقدار**
- مرد یا زنی که مسئول حمل و نگهداری بقچه خانم یا آ قادر مهمانی‌ها و یا در حمام است.
- بوغازبسان**
- مرد یا زنی که کار معالجه گلو را در موقع گلودرد یا گیر کردن غذا در گلو و غیره عهده‌دار است.
- بورقی‌چی**
- مردی که نان بورقی^۸ را می‌فروشد.
- بولاقچی**
- مردی که مسئول تقسیم آب یک ده بازارع است.
- بویاقچی**
- مرد یا زنی که کار رنگرزی می‌کند.
- بورکچی**
- مرد یا زنی که به کار تولید کلاه، و یا خرید و فروش آن یه صورت عمده و خرد می‌پردازد.

- بویوک آقا** - آقای بزرگ، آقا مرد روحانی و متنفذ.
- بیکلر بیگی** - مردی که حکمدار منصوب در شهر یا قریه‌ای است.
- بیجارچی** مرد یاز نی که جهت وجین علف هرز استخدام می‌شود.
- پانبیق آتان** - مردی که به زدن پنبه امرار معاش می‌نماید.
- پالان دوز** - مردی که به کار دوختن پالان^۹ می‌پردازد.
- پالتار یووان** - زنی که به کار شستن رخت امرار معاش می‌نماید.
- پاشابیگ** - مردی که بزرگ و حاکم ایل و خاندان و محله است.
- پاپیروسچی** - مردی که به کار تولید سیگار، خرید و فروش آن می‌پردازد.
- مردی که به کار خرید و فروش کاغذ می‌پردازد.
- پئشمناز** - مردی که پیشنهاد است در موقع نماز گزاردن
- پئشوازچی** - زنان یا مردانی که کار استقبال از مسافر را انجام می‌دهند.
- پئش کشچی** - مردی که مسئول دریافت و ضبط صورت اسامی هدایای تقدیمی به ارباب و سلطان است.
- پته‌کچی** - مرد یا زنی که کار پرورش زنبور عسل را عهده‌دار است.
- پدو** - پسر بچه‌ای که حامل کارها و پیام‌های کوچک ارباب است. پادو
- پرده‌دار** - مرد یا زنی که نگهبان اطاق ارباب است.
- پردی‌چی** - مردی که به کار ساختن و فروش پرده^{۱۰} می‌پردازد.

- مردی که به کار جلا دادن اشیاء می‌پردازد.
پرداختچی
- مردی که کارش پختن و فروختن باقلاست.
پخله‌چی
- مردی که به کار دوختن رویه کفش اشتغال دارد.
پستاکش
- مردی که با نمایش‌های ویژه توانیهای بدنی و معیر القول امراض معاش می‌نماید.
پهلوان
- مردی که کار جمع آوری کود و مخلوط نمودن آن با شن و حمل آن به باغات و مزرعه‌ها را عهده‌دار است.
پوخ داشیهن
- مرد یا زنی که کار طبابت را با فوت نمودن از طریق دماغ فرد بیمار انجام می‌دهد.
پوله‌یهن
- مردی که حکم مرشد و قبله گاه افراد را دارد.
پیر
- پیش بوروچی - مردی که کارش ساختن بخاری و دودکش است.
پیش بوروچی
- مردی که به کار تعمیر کفشهای کهنه اشتغال می‌ورزد.
پینه‌چی
- مردی که آبگوشت می‌پزد و می‌فروشد.
پیتی‌پز
- مرد یا زنی که به کار دروی گندم و جمع آوری آن می‌پردازد.
تارلاچی
- مردی که به کاشت و برداشت و خرید و فروش تنباکو می‌پردازد.
تانباكی‌چی
- زنی که کار نگهداری از کودکی را به عهده دارد.
تایا
- تار زن، مرد یا زنی که به کار نواختن تار می‌پردازد.
تارچی
- مردی که کنار ترازو می‌ایستد و کارش گرفتن پول است.
ترازوی‌دار
- صندوقدار.
صندوقدار.

- تژه‌کچی**
- مردی که به کار لگدمال کردن پهن دامها و اندوختن آن با آب می‌نماید.
- تجهرباف**
- مرد یازنی که کارش باقتن انواع حصیر و پرده است.
- تفنگچی**
- مردی که جهت تیراندازی با تفنگ استخدام می‌شود.
- تکه‌مچی**
- مردی که با گرداندن (تکه) ^{۱۱} به جمع آوری صدقات می‌پردازد.
- تنکه‌چی**
- مردی که به کار ساختن ناودان و ملزمات با (تنکه) ^{۱۲} می‌پردازد.
- تلیسچی**
- مردی که به باقتن گونی و یا خرید و فروش آن اشتغال دارد.
- تیغه‌ساز**
- مردی که به ساختن قمه و شمشیر و قیچی و... مشغول است.
- تول آنبارچی**
- مردی که مسئول گرمخانه و آتشخانه حمام است.
- توربا چکه‌ن**
- توربا چکی، مردی که توبره‌های علوفه اسب و قاطر را در سپاه و کاروان حمل می‌کند.
- توبچی**
- مردی که مسئول آتش با توب است.
- توخوجو**
- مرد یازنی که به کار باقتن (فرش) اشتغال دارد.
- توك توتان**
- مرد یازنی که کارش گرفتن پر طیور برای رختخواب است.
- تولوخچی**
- مردی که با (تولوخ) ^{۱۳} به فروش آب و دوغ و شربت امرار معاش می‌نماید.

توبیوقچی	- مرد یا زنی که به کار نگهداری و پرورش و خرید و فروش منع اشتغال دارد.
توتونچی	- مرد یا زنی که به کار کشت توتون، خرید و فروش و تبدیل آن اهتمام دارند.
جارچی	- مردی که با صدای بلند اعلام اخبار می‌نماید.
جادی‌یازان	- مرد یا زنی که به کار جادو نویسی می‌پردازد.
جانی قیفلانی	- مردی که در روز عاشورا به بدن خود انواع قفل و سنجاق را فروکرده و بدین ترتیب عزاداری می‌نماید.
جامه‌دار	- مرد یا زنی که مسئول حراست از لباسهای افراد در حمام‌های عمومی است.
	- مرد یا زنی که مسئول ترتیب لباسهای خانم یا خان را به عهده دارد.
جانباز	- مردی که بر روی طناب اجرای عملیات می‌نماید.
جزوه‌پاییلایان	- مردی که در مساجد و مراسم مذهبی به پخش جزوای قرآن مجید بین قاریان می‌پردازد.
جلودار	- مردی که بزرگ مهترهاست.
جهزه‌چی	- زنی که با دوک ریسی امرار معاش می‌نماید.
جولفا	- مرد یا زنی که به کار بافن پارچه اشتغال دارند.
جوچی	- مردی که کار هدایت خیش و گوا آهن را در مزرعه عهده‌دار است.
حامبال	- مردی که کار حمل بار را انجام می‌دهد.

- حَجَّمَهُتْ چَّى** - مرد یا زنی که به کار (حجامت)^{۱۴} می پردازد.
- حَصِيرَچِى** - مردی که به کار باقتن حصیر، خرید و فروش آن مشغول است.
- حَكِيمْ** - مردی که به کار طبابت اشتغال دارد.
- حَكِيمْ باشى** - مردی که رئیس حکیم‌های شهر یا محلی است.
- حَلَّاجْ** - مردی که به کار پختن و خرید و فروش حلوا امرار معاش می نماید.
- حَمْلَهُ دَارْ** - مردی که کار پنهانی و پشمزنی (رختخواب) را وسیله امرار معاش خویش قرار داده است.
- حَنَّاقِى** - مردی که کارهای زایران را به عهده دارد.
- خَانَهُ شَاكِرْدْ** - دختر یا پسری که کارهای کوچک خانه را انجام می دهد.
- خَازِنْ** - مردی که عهدهدار حراست از خزانه دولتی و لشکری و اداری است.
- خَاخَامْ** - مردی که احکام مذهبی کلیمیان را جاری می کند.
- خَامَاجِى** - مردی که به کار تهیه مواد اولیه فرش اشتغال دارد.
- خَبِيرَچِى** - مردی که اخبار مهم را از جایی به جای دیگر می برد.
- خَرْكِنْ** - زن و مردی که شغل جاسوسی دارد.
- خَرْمَنْ سَيِّدى** - مردی که با الاغ خاک و وسائل بنایی حمل می کند.
- خرمن سیدی - مرد یا زن سیدی که در فصل خرمن حق السهم می گیرد.

- خشنهکش**
- مردی که به موقع جمع آوری برگها و علوفه‌های پاییزی استخدام می‌شود.
- خطاط**
- مرد یا زنی که خط خوش دارد و با نوشتن خط امرار معاش و ارائه هنر می‌نماید.
- خلعتچی**
- مردی که کارش بردن خلعت و انعام است.
- خلفه**
- روحانی نسطوري. مردی که هدایت نسطوريان را به عهده دارد، پاتریارک خلیفه
- خمیر آیاقلايان** - مرد یا زنی که کارش و رآوردن خمیر نانوایی است با پا.
- خونچاکش**
- مردی که کار حمل خونچه^{۱۵} را انجام می‌دهد.
- خیمهچی**
- مردی که به کار دوختن چادر و روکش مشغول است.
- چایدار**
- مرد یا زنی که نگهبانی از مراتع خود می‌کند.
- چاروادار**
- مردی که به کار خرید و فروش گله‌گوسفند می‌پردازد.
- چایچی**
- مردی که به کار کشت و یا خرید و فروش چای می‌پردازد.
- چاخیرچی**
- مردی که کار وی فروش و ارائه مشروبات الکلی است.
- چالقیچی**
- زن یا مردی که به کار نواختن آلات موسیقی می‌پردازد.
- چاووش**
- مردی که با آواز بلند و مدیحه سرایی زائران را بدرقه می‌کند.
- چاپار**
- مردی سوار که کار رساندن پیام‌های کتبی را عهده‌دار است.
- چای وثرهن**
- مرد یا زنی که در مراسم‌های مختلف مسئول پذیرایی از

- میهمانان چایی است.
- چَرْجِی** - مردی که لوازم خرازی را بار قاطر یا اسپی کرده و ده به ده می‌گرداند.
- چُوهَهْکَدَار** - مردی که در موقع برداشت محصول استخدام می‌شود در برابر دریافت یک چهارم محصول به عنوان مزد.
- چُوَاغْ تُوتَان** - مرد یا زنی که کار گرفتن چراغ را مراسم مخصوص به عهده اوست.
- چُوبُوقْچِی** - مردی که کارش ساختن و خرید و فروش چپ است.
- چُوَبْچِی** - مردی که به جمع آوری زباله‌های محله‌ای مخصوص می‌پردازد.
- چُوسْ دُوز** - مردی که کار دوختن چوس^{۱۶} را پیشه خود قرار داده است.
- چُوبَان** - مردی که گوسفندان و رمه را به چرا می‌برد. شبان.
- چُوغَانْ کَش** - مردی که چوغان^{۱۷} تولید کرده و می‌فروشد.
- چُورْهَکَچِی** - مرد یا زنی که به کار پختن نان می‌پردازد.
- چُودَار** - مردی که کار خرید و فروش دام را عهده‌دار است.
- چِیْفَچِی** - مرد یا زنی که گرداندن مزرعه‌ای را با محصولات متنوع و انواع دام اهلی به عهده دارد.
- دادَبِیْگ** - مردی که کار دادرسی مظلومان را به عهده دارد.
- دارَأَخْچِی** - زنی که به امر شانه زدن پشم می‌پردازد.^{۱۸}
- دارَچَکَهْن** - مرد یا زنی که کار کشیدن دار قالی را وسیله امراض معاش

خویش دارد.	
داش کسهن - مردی که سنگبُر است.	
داش داشیهنهن - مردی که با حمل و فروش سنگ امرار معاش می‌نماید.	
دارغا - مردی که حافظ امنیت شهر است.	
دارغاشاگیرد - مردی که شاگرد داروغه است.	
دالاک - مرد یا زنی که در حمام جهت شستشوی مشتریان استخدام می‌شود.	
دالان دار - مردی که مسئول حفاظت از تیمچه‌هاست.	
داشقاقچی - مردی که باگاری به کار حمل کالا در برابر مزد اشتغال دارد.	
دواچی - مردی که کارش تهیه و خرید و فروش انواع داروست.	
دباغ - مردی که در کار پوست و چرم اشتغال دارد.	
درشگه‌چی - مردی که با درشگه‌های آب به در خانه‌ها و باغات می‌رود.	
درزی - زن یا مردی که کار دوختن لباس را دارد.	
درویشن - مردی که با دعا و ورد و ذکر خدا امرار معاش می‌کند.	
دسته‌باشی - مردی که به عنوان سر دسته در مراسم عزاداری انجام وظیفه می‌نماید.	
دعا یازان - زن یا مردی که با نوشتن دعا امرار معاش می‌کند.	
دگیرمانچی - مردی که در آسیاب به آرد نمودن گندم می‌بردازند.	
دلآل - مرد یا زنی که واسطه کار خرید و فروش از هر نوعی از آنهاست.	

- دمیرچی** - مردی که با آهن به ساختن اشیاء مختلف می‌پردازد.
- دمیر یولچو** - مردی که در راه آهن کار می‌کند.
- دمبیل باز** دمبیل اوینادان، مردی که در مراسم مختلف با رقصاندن دمبیل ^{۱۹} امرار معاش می‌کند.
- دویچه** - پسر بچه‌ای که همراه قاطر یا الاغ روحانی محل می‌دود. دوکچه.
- دویوشچو** - مردی که جهت مبارزه انتخاب و استخدام می‌شود.
- دودوکچی** - مردی که مسئول سوت کارخانه است.
- دوزچی** - مردی که کار تولید و تهیه و فروش نمک را عهده‌دار است.
- دومیه‌کچی** - مردی که با زدن تمبک در مراسمهای مختلف امرار معاش می‌نماید.
- دهلی خک** - مردی که بالودگی‌هایش دیگران را می‌خنداند، دلچک.
- دیشچی** - مرد یا زنی که به کار دندانسازی اشتغال دارد.
- دیلماج** - مرد یا زنی که کار مترجم شفاهی را انجام می‌دهد.
- دیلمانجی** - مرد یا زنی که کار ترجمه کتبی را انجام می‌دهد.
- دیلی کلاملى** - مرد یا زنی که به کار خواندن، تدریس و تبلیغ قرآن مجید اشتغال دارد.
- دیلنچی** - مرد یا زنی که با استعانت از دیگران امرار معاش می‌نماید.
- دیوان دار** - مردی که کار قضاوت را بر عهده دارد.

- رسام** مرد یا زنی که کار تصویرگری می‌نماید.
- رستم باز** - مردی که با شبده‌بازی و عملیات آکروبات نمایش هنر می‌نماید.
- رفوگر** - مرد یا زنی که به رفو زدن لباس یا فرش امرار معاش می‌نمایند.
- رمل دار** - مرد یا زنی که با انداختن (رمل) ^{۰°} به غیبگویی می‌پردازد.
- زجاجیه‌چی** - مردی که به کار خرید و فروش جواهر می‌پردازد.
- زرینه‌باف** - مرد یا زنی که به بافتن نوارهای زری و زری دوزی شده اشتغال دارد.
- زرنا چالان** - مردی که نواختن (زرنا) ^{۲۱} را به عهده دارد.
- زغفران تاجری** - مردی که به خرید و فروش کالاهای سبک و گرانقیمت اشتغال دارد.
- زنجبیر ووران** - مردی که در ایام عزاداری به نواختن زنجبیر به تن خود عزاداری می‌نماید.
- زین دار** - مردی که مسئول زین اشبهای سپاه یا گروهی است.
- زبیلیل‌چی** - مردی که وظيفة حمل زباله از منازل را عهده‌دار است.
- سایاقچی** - مردی که حافظ اعداد و رقمهای معامله یا مرکز معامله‌ای است. حسابدار.
- ساجا سالان** - مرد یا زنی که قسمتی از کار نانوایی را به عهده‌دار است. ^{۲۲}

سالاخ	- مردی که گوسفند و دام را ذبح می‌نماید.
ساتیجی	- مرد یا زنی که به کار فروش اجناس اهتمام می‌ورزند.
سایاچی	- مردی که با خواندن (سایا) ^{۲۳} از دهی به ده دیگر می‌رود و انعام دریافت می‌کند.
سازاندا	- مرد یا زنی که به نواختن آلات موسیقی و خواندن و رقصیدن امرار معاش می‌نماید.
سکیچی	- مرد یا زنی که در حمام‌های عمومی کار دریافت وجه استحمام و دیگر جووهات را عهده‌دار است.
سلمانی	- مرد یا زنی که به آرایش و پیرایش مو می‌پردازد.
سماورچی	- مردی که به کار ساختن سماور و یا خرید و فروش آن امرار معاش می‌نماید.
ستتچی	- مردی که پسر بچه‌ها زا ختنه می‌نماید.
سوروجو	- مرد یا زنی که هدایت ماشین را به عهده دارد.
سویقونچو	- مردی که قطع طریق نموده و مسافران را لخت می‌نماید.
سوت آنا	- زنی که جهت دادن شیر به نوزادی استخدام می‌شود.
سوداگر	- مردی که به خرید و فروش در فواصل شهرها می‌پردازد.
سوروخ توتان	- مردی که کاه‌گل را آماده می‌کند.
سورواران	- مردی که کار‌گل انودن نمودن بنها را عهده‌دار است.
سوپورگه‌چی	- مردی که کارش جاروب زدن به معابر عمومی است.
سوتجی	- مرد یا زنی که به کار تولید شیر و یا خرید و فروش آن

سیمسار	- مردی که به کار خرید و فروش لوازم دست دوم اهتمام می‌نماید.
سینیقچی	- مرد یا زنی که به کار طبابت در زمینه شکسته‌بندی می‌پردازد.
سینه ووران	- مردی که در ایام عزاداری سینه می‌زند.
سینکاچی	- مردی که با (سینکا) ^{۲۴} لوازم مختلف می‌سازد.
سیرستوچکهن	- مرد یا زنی که ساعات کار کارخانه را با کشیدن سوت بخار آن اعلام می‌کند.
شاطیر	- مردی که در نانوایی سمت پختن نان را دارد.
شالچی	- مردی که به بافتن شال و یا خرید و فروش آن می‌پردازد.
شیپورچی	- مردی که در مراسم مکانهای مختلف به نواختن شیپور می‌پردازد.
شیخ الاسلام	- مردی که بزرگ روحانیون مسلمان است.
صراف	- مردی که به کار تبدیل پول و جواهرات اشتغال دارد.
صابون‌پز	- (صابونچی) مردی که کارش تهیه صابون است.
صاندیقچی	- مردی که مسئول حفظ امانات به وی سپرده شده است.
طاباقچی	- مردی که در طبق میوه و یا دیگر محصولات را جهت فروش عرضه می‌کند.
عاشقیق	- مرد یا زنی که به همراه نواختن ساز آواز اوزانی هم

- می خواند.
- عباجی**
- مردی که به کار بافتن عبا یا خرید و فروش آن اهتمام می ورزد.
- عتیقه‌چی**
- مردی که به کار خرید و فروش عتیقه‌جات می پردازد.
- عدیل‌چی**
- مردی که بطور عمدہ پنه خرید و فروش می کند.
- عرشه‌خوان**
- مردی که در مجالس عزاداری نوحه‌های عزا و آنمی^{۲۵} می خواند.
- عطار**
- مردی که به کار خرید و فروش و تهیه داروهای گیاهی و علفی می پردازد.
- علّاف**
- مردی که کارش واردات و صادرات خواربار است.
- غلّم جوشدوران**
- مردی که مسئول حمل علم در مراسم هاست.
- عمله**
- مردی که در برابر مزد، کارهای فصلی انجام می دهد.
- فالچی**
- مرد یا زنی که به کار فال‌بینی و دعانویسی می پردازد.
- فحله**
- مردی که کارهای پست و سنجین را انجام میدهد.
- فراش**
- مردی که در مراسم مختلف درباری به کارهایی مخصوص آن مراسم گرفته می شود. معمولاً بر پاکننده چادر و انداختن فرش و پرده.
- فایتون‌چی**
- مردی که مسئول هدایت فایتون^{۲۶} است.
- فنرچی**
- مرد یا زنی که مسئول حمل فنر^{۲۷} در مقابل عابران است.
- فیته‌چی**
- مرد یا زنی که مسئول ارائه و نگهداری فوته^{۲۸} در

حمامهای عمومی است.

قاب‌پیشله‌یهн - مردی که ظرفهای چینی شکسته را بند می‌زند.

قاپاندار - مردی که مسئول توزین بارهای سنگین است.

باسکول دار.

قاطرچی - مردی که با چند قاطر به حمل مسافر و کالا می‌پردازد.

قالیش‌چی - مردی که کارش دوختن کفش قالیش^{۲۹} است.

قالایچی - مردی که کارش پرداخت، دادن به مس است.

قاراول - مردی که نگهبانی از جا و مکانی را می‌نماید.

قاراباش - زنی که بزرگ خدمتکاران خانه است.

قاراجا - مرد پیری که مسئول خدمتکاران خانه است.

قاوال چکهن - مردی که دایره^{۳۰} درست می‌کند.

قاراقول - مرد یا زن سیاه پوستی که خدمتکار خانه است.

قاراواش - زن سیاه پوست که خدمتکار منزل است.

قارا خبرچی - مرد یا زنی که اخبار شوم را برساند.

قاراچی - زن یا مردهای دوره گردی که به کار فروش اجناس مختلف اهتمام می‌ورزند.

قالاچی - مردی که مسئول حراست از قلعه‌هاست.

قابیله - زنی که به طبایت از نوع زنان و زایمان می‌پردازد.

قاپیچی - مردی که نگهبان در ورودی جا و مکانی است.

قاچاقچی - مردی که به کار قاچاق کالا می‌پردازد.

قاش آلان - زنی که به خانه‌ها مراجعت می‌کند و کار آرایش و

- پیرایش زنان را عهده‌دار است.
- مردی که مسئول کندن قبور است.
- قدره کش - مردی که اجیر می‌شود برای لوطیگری و قدره بند
- قداره کشی و ایجاد رعب.
- مردی که به کار فروش - واردات و صادرات کاغذ می‌بردازد.
- قرطاسچی
- مردی که کارش زدن قره‌نی^{۳۱} است.
- مردی که به تیمار اسب و قاطر و الاغ می‌بردازد.
- مردی که به کار ذبح و فروش گوشت می‌بردازد.
- قره‌نی‌چی
- فشوچی
- قصاب
- قلبیرچی
- مردی که به کار تولید و خرید و فروش قلبیر^{۳۲} اهتمام دارد. مردی که جهت قلبیر نمودن گندم و دیگر محصولات استخدام می‌شود.
- قلندر
- مردی که ضامن امنیت و اقتصاد و سلامت محله یا کوچه یا شهری است.
- قندریز
- مردی که به کار ساختن انواع تنقلات شیرین و قند امرار معاش می‌نماید.
- قهوه‌چی
- مردی که دارای قهوه‌خانه عمومی است و در آن از مشتریان با چای و قلیان پذیرایی می‌شود.
- مردی که به کار تولید یا خرید و فروش و یا واردات و صادرات قهوه می‌بردازد.
- قوش قوغان - دختر یا پسری که جهت پراندن پرنده‌های مزاحم از

- مزراع و انبارهای غله استخدام می‌شوند.**
- قوروقچی**
- مردی که برای حفظ حکومت قسم خورده است، فدائی
- قوروقچی**
- مردی که مسئول رعایت مقررات رفت و آمد دولتی است.
- قوروقچی**
- مردی که مسئول رعایت قوانین جاری در محل مخصوصی است.
- قولتوقچو**
- مرد یا زنی که لباس و پارچه و دیگر وسایل از این قبیل را جهت فروش یا معاوضه به خانه‌ها می‌برد.
- قویروقچی**
- مردی که کارش خرید و فروش دنبه است.
- قوش باز**
- مردی که کارش نگهداری و خرید و فروش پرندگان دست آموز و خانگی است.
- قول**
- مردی که در خدمت یک فرد مخصوص تمام وقت انجام کار می‌کند.
- قوللوچی**
- مرد یا زنی که وظیفه‌اش پذیرایی از مهمانان اربابی است.
- قیچی پیچاقچی**- مردی که جهت تیز کردن تیغه قیچی و چاقو و... به در خانه‌ها مراجعه می‌کند.
- قیطانچی**
- مردی که به کار تولید قبیطان، کشن و از این ردیف می‌پردازد.
- قیزیل باش**
- مردی که همیشه آماده رزم است. چریک.
- کیچه‌چی**
- مرد یا زنی که به کار تهیه کثچه^{۳۳} می‌پردازند.

کبین‌کسنهن - مردی که صیغه عقد را جاری می‌کند.
کرپیش کسنهن - کرپیچ کسنهن - مرد یا زنی که با قالب‌های چوبی از کاه و گل آجر می‌زنند.

کروانساراجی - مردی که مسئول اداره کاروانسراست.
کره‌نی‌چی - مردی که شروع ساعات کار حمام را با دمیدن در کره‌نی^{۳۴} اعلام می‌کند.

کشیکچی - مرد یا زنی که مسئول حفاظت جایی است.
کشیکچی‌باشی - مرد یا زنی که مسئول اداره مجموعه کشک‌چی‌های زن و مرد جا یا شهری است.

کفیرچی - مردی که کار کنند و نرم کردن و خرید و فروش کفیر^{۳۵} را به عهده دارد.

کله‌قیچی - مردی که کارش زدن و خرید و فروش پارچه کلاعه‌ای^{۳۶} است.

کله‌پاچاچی - مردی که کارش طبخ و فروش کله و پاچه است.
کلیددار - مرد یا زنی که مسئول کلید و یا کلیدهای خانه و اداره و مرکزی است.

کمان‌چی - مردی که کارش درست کردن کمان است. مردی که جهت تیراندازی استخدام می‌شود.

کن‌کن - مردی که با تخلیه چاههای فاضلاب و یا حفر چاه امارار معاش می‌نماید.

کنه‌پالتارچی - مردی که به کار خرید و فروش لباسهای مستعمل و

- دست دوم می‌پردازد.
- کوره‌کچی**
- مردی که کارش برف رویی است.
 - مردی که با دمیدن کوروک^{۳۷} در کوره‌های آهنگری امرار معاش می‌نماید.
 - مردی که کارش ساختن و بافتن کوروک^{۳۸} کالسکه‌هاست.
- کوپدار**
- مردی که مسئول کوزه قلیانهاست.
 - مردی که کارش ساختن و خرید و فروش کوزه‌هاست.
 - مردی که تهیه ذغال و خرید و فروش آن را عهده‌دار است.
- کوزه‌چی**
- کومورچی**
- مرد یا زنی که در کار نانوایی با گونه نمودن خمیر شرکت می‌کند.
- کونده‌چی**
- مردی که مسئول امنیت دشت و مزارع است.
 - مرد یا زنی که کارش حمل خاکستر اجاق یا منقل‌ها به کولوکخانه و یا حمل خاکستر به مزارع از کولوک خانه‌هاست.^{۳۹}
- کوحا**
- کولوک‌حی**
- مرد یا زنی که در حمام‌ها کار کیسه‌کشی برای استحمام کنندگان را انجام می‌دهد.
- کیسه‌کش**
- گرچه‌کله‌یهن**
- مرد یا زنی که جهت گرچه ک^{۴۰} نمودن در فصل پاییز در باغات استخدام می‌شود.
- گزپز**
- مردی که کارش تهیه گچ ساختمانی است.

- گول آبچی** - مرد یا زنی که کارگرفتن گلاب از گل‌ها و خرید و فروش گلاب را عهده‌دار است.
- کوی چی** - مردی که کارش فروش سبزیجات است.
- گذرچی** - مردی که مسئول حفظ امنیت محله یا کوچه‌ای است.
- کوزو باغليچي** - مردی که کارهای معیحرالقول و شعبدہ انجام می‌دهد.
- ئىمىچى** - مردی که با قایق مسافران و کالا را حمل می‌کند.
- گوموشچى** - مردی که به کار ساختن اشیا با نقره و یا خرید و فروش آن می‌پردازد.
- گونچى** - مردی که به کار دباغی و پوست و چرم مشغول است.
- کول باز** - مرد یا زنی که به کار پرورش گل می‌پردازد.
- کوزگىچى** - مردی که کارش ساختن و خرید و فروش آثینه است.
- کوگردىچى** - مردی که به تهیه و خرید و فروش گوگرد اشتغال دارد.
- كيل ساتان** - مرد یا زنی که به کار ساختن و فروش گل خوشبوی مخصوص استحمام در حمامهای عمومی می‌پردازد.
- لامپاچى** - مردی که کارش خرید و فروش یا ساختن یا مسئول نگهداری از لامپا، چراغ‌های نفتی است.
- لامپاياغى ساتان** - مردی که نفت می‌فروشد.
- للله** - زنی که مسئول نگهداری از کودکی است.
- لتئركش** - مرد یا زنی که حمل لتر^{۴۱} را در موقع شب در منازل یا کوچه‌ها عهده‌دار است.
- لولاقچى** - مردی که کارش ساختن لولا^{۴۲} است.

- لوپوکچی** - مردی که به کار ساختن اشیاء مفید از مواد دست دوم و در حقیقت دور ریختنی و ضایعات می‌نماید.
- لوله‌بین‌چی** - مردی که لوله‌بین^{۴۳} می‌سازد و می‌فروشد.
- ماهونچی** - مردی که ماهوت می‌باشد.
- مردی که به خرید و فروش و واردات و صادرات ماهوت می‌پردازد.
- ماما** - زنی که موقع زایمان به کمک زائو می‌آید.
- منشه‌بیگ** - مردی که مسئول حراست از بیشه‌هاست.
- مبادر** - مردی که امورات محوله به وی را نیابتًا انجام می‌دهد.
- مجاور** - مرد یا زنی که نگهبان مسجد و زیارتگاهها و امامزاده‌هاست.
- مدده‌چی** - مرد یا زنی که به عنوان کمک به کسی استخدام می‌شوند.
- مدعی‌العموم** - مردی که کارش دفاع از حقوق مردم است. وکیل مرثیه خوان - مرد یا زنی که به خواندن مراثی و روپوهه در مجالس عزاداری می‌پردازد.
- مرده‌شیر** - مرد یا زنی که کارش شستن، غسل دادن و کفن کردن مرده‌هاست.
- مُوید** - مرد یا زنی که شاگردی مرشدی را می‌کند.
- مرشد** - مرد یا زنی که کارش ارشاد افراد است.
- مستر** - مردی که خدمتکار خصوصی افراد ارتضی و نظامی و سپاهی است.

- مسگر** - مردی که به ساختن اشیاء از مس یا خرید و فروش آن می‌پردازد.
- مستوفی** - مردی که کارش رتق و فقط امور اصلی مملکتی است.
- مغنمی** - مردی که کارش حفر چاه است.
- معدن‌چی** - مردی که در معدن کار می‌کند.
- مُفتیش** - مردی که کالاها یا منازل و یا مغازه‌های خصوصی را تفتيش می‌نماید.
- منجّم** - مرد یا زنی که میتواند با وضعیت ستاره‌ها پیش‌بینی وقایع نماید.
- منجّم‌باشی** - مردی که مسئول منجّم‌ها و یا منجّم دربار و شاهان است.
- مهتر** - مردی که مسئول نگهداری و حفاظت از اسبهای است.
- موم‌چی** - مردی که کارش ساختن و خرید و فروش موم و شمع و پیه است.
- موتوروف** - مرد یازنی که بالودگی ور قص و آواز موجب سرگرمی دیگران را فراهم می‌آورد. مطرab
- موشارکش** - مردانی که کار اره (موشار)^{۴۴} کشیدن را به عهده دارند.
- موغامچی** - مرد یا زنی که در دستگاه موغام^{۴۵} کار می‌کند.
- موشتلوق آپاران** - مرد یا زنی که کارش بردن پیام‌های شادی است.
- موشاطا** - زنی که کارش بردن پیغام، پیدا کردن دختران و پسران دم بخت و ایجاد وسائل ازدواج است.

- موشگر**
- زنی که در مراسم عزاداری نوحه سایی می‌کند.
- میتقالچی**
- مردی که به کار بافتن یا خرید و فروش میتقال^{۴۶} می‌پردازد.
- میسمارچی**
- مردی که کارش ساختن میخ و یا خرید و فروش آن است.
- میرآقا**
- مردی که شبها حفاظت شهر را به عهده دارد.
- میراب**
- مردی که مسئول آبرسانی و تنظیم مسیر چشمه‌ها و قنات‌هاست.
- مین آغاچی**
- سر دسته آغاهای خدمتگزار در قصر.
- مین باشی**
- مردی که مسئول و سر دسته هزار نفر از گروه سپاهیان است.
- میر آخر**
- مردی که مسئول آخرچی هاست.
- میرزا**
- مردی که کار نوشتن و ثبت و قایع و دستورات را دارد.
- میر غضب**
- مردی که حکم تغزیرات و یا اعدام را در مورد محکومین به جامی آورد.
- ناخیرچی**
- مردی که مسئول حفاظت از گله روتا یا ایل است.
- ناغارچی**
- مردی که نواختن ناغارا^{۴۷} می‌پردازد.
- نالبند**
- نالچر - مردی که کارش ساختن و نعل زدن به دامه است.
- نجار**
- مردی که با چوب به ساختن اشیاء می‌پردازد.
- نخودپز**
- مردی که کارش پختن نخود آجبلی است.

- ئىشقچى** - مردى كه ابلاغ فرامين كتبى مى نمایيد.
- نوشۇرچى** ^{٤٨} - مرد يا زنى كه به كار ساختن خريد و فروش روشور مى پردازد.
- نوغاكش** - مردى كه در كار بنايى مسئول حمل نوغا (ظروف مخصوص حمل مالات‌های بنائى) است.
- ورشوجى** - مردى كه كارش خريد و فروش اجناس از جنس ورسو^{٤٩} است.
- ۋەزدەنەچى** - مرد يا زنى كه در كنار نانوايى به كار پهن كردن گىنده خمير با وردنه مى پردازند.
- ۋەزەن سرهن** - مرد يا زنى كه در مزارع و باغات به كار پهن كردن محصولات جهت خشك شدن يا غيره مى پردازند.
- ھەنzel ياپان** - مرد يا زنى كه آب را با پهن حيوانات بهم آميخته و يابا^{٥٠} درست مى كند.
- ھەن دئىيەن** - مردى كه كمك هيزم ش肯 است و به همراه هر ضربه تبر به هيزم «ھەن» مى گويد.
- ھېكل توکەن** - مرد يا زنى كه به كار ساختن مجسمه مى پردازد.
- يازىچى** - مرد يا زنى كه كارش نويىندىگى است.
- يانشاق** - مرد يا زنى كه با يك ساز بخصوص به نقل داستان با روایت و يا حادثه‌اي مى پردازد.
- يالاخچى** - مرد يا زنى كه در برابر كار از ته مانده‌های محصولات و توليدات برمى دارد.
- يابا ياپان** - مرد يا زنى كه يابا^٥ تهيه مى كند.

- یاغچی**
- مردی که به کار تولید و خرید و فروش روغن غذایی می‌پردازد.
- یازار**
- مرد یا زنی که کارش نوشتن و ثبت وقایع است.
- ینگه**
- مرد یا زنی که همراه فرد مخصوصی جهت اوامر مخصوص همان فرد اعزام می‌شود.
- یورقان توتان**
- مرد یا زنی که کارش دوختن لحاف است.
- یورتچی**
- مردی که مسئول حفظ دهات و چادرها در غیاب اهالی و کشاورزان و غیره هست.
- یورتچی**
- مردی که مسئول انجام وظیفه به جای کسی است که مدتی حضور ندارد.
- یولاج**
- مردی که در جاده‌ها پیشاپیش همه حرکت می‌کند ترا راه را بطور دقیق شناسایی کند.
- یون قیرخان**
- مردی که کارش چیدن پشم گوسفندان است.
- یون چیرپان**
- مرد یا زنی که کارش زدن پشم رختخوابهاست.
- یونچی**
- مردی که به کار تهیه خرید و فروش پشم مشغول است.
- یولاچی**
- مردی که مسئول تهیه تدارکات سفر و حضر مسافران است. هتل دار
- یوزباشی**
- مردی که مسئول صد نفر از سپاه و یا افراد خاصی است.
- یولکسنهن**
- مردی که با قطع طریق و راهزنی امارات معاش نماید.
- یولچی**
- مرد یا زنی که در حال مسافرت است.
- حمله‌دار
- مردی که با مسئولیت خود مسافران را جایجا می‌کند.

توضیحات

آجان - همان آزان یا آزدان است و آن افرادی هستند که تحت استخدام مراکز نظامی و امنیتی کشور انجام وظیفه می‌نمایند.

الک - وسیله‌ای که کف آن توری در انواع و اندازه‌های مختلف، برای کارهای مختلف است و دور آن دایره چوبی است.

قدّاره - آلت حریق بزرگتر از قمه و کوچکتر از شمشیر.

اوخلوچی - کسی که با اوخلوق کار می‌کند و اوخلوق چوبی است که دو طرف آن نسبت به قسمت میانی نازک‌تر است و با آن بر روی خمیر می‌کشند و آن را نازک‌تر می‌نمایند.

اولگوش - الکوج، وسیله‌ای است جهت اصلاح که دارای یک تیغه و دو دسته همانند قیچی است.

باقته - نوارهای زربفت و ابریشمی و ساده که در تربین لباس و پرده و... از آنها استفاده می‌شود.

باش یاران - نذر برخی از افراد است که در روز عاشورا با زدن ضربات قمه سر خود را می‌شکافند. اخیراً این نوع عزاداری ممنوع گردیده است.

بورقی - نوعی نان شیرین که به شکل شتر خوابیده و یا دایره‌های توخالی پخته می‌شود.

پالان - وسیله‌ای است که از فرش کهنه و یا گلیم و جاجیم باقته می‌شود و بر روی چهار پایان گذاشته می‌شود تا حمل بار آسان گردد. حمال‌ها هم

از نوع دیگری از آن استفاده می‌کنند و شکل آن به نوعی است که حمل بار را آسان می‌نماید.

پردی - چوبهای صاف و کوچکی که در فاصله دیرک‌های سقف کوییده می‌شود و سپس رویش را با گچ از داخل ساختمان و یا با حصیر و گل از سقف می‌پوشانند.

تکه - مجسمه‌ای پارچه‌ای و گلی از بزی به ظاهر شیطان. (مراجعه شود به کتاب سایاهای از همین نویسنده) تنه - حلیه‌ای کهنه و مستعمل.

تولوخ - کیسه‌های سردوز شده از پوست حیوانات و یا کیسه‌های چرمی که منفذی برای خروج مایعات نداشته باشد الا دری که تعییه شده است.

حجامت - گرفتن خون کثیف از بدن است که با زدن چند ^{تیغ} به پشت فرد بیمار و سپس گذاشتن بادکش جهت مکیدن خون صورت می‌گیرد. خونچا - طبقه‌ای چوبی مستطیل شکلی که حمل و سایل عروسی و عقد و چشم روشنی‌ها سابقًا با آنها صورت می‌گرفت.

چوس - نوعی کفش که کف آن از چرم یا پارچه ضخیم است و رویه آن از طناب و نخ بافته می‌شود.

چوغان - ماده‌ای که از ریشه گیاه آشنام گرفته می‌شود و برای شستن ظروف و لباس از آن استفاده می‌شود. چوبک

داراخ - داراخ، شانه‌ای فلزی با دندانه‌هایی تیز و بلند بود که بر روی پایه‌ای به شکل ۸ سوار می‌شد.

دمبیل - وسیله‌ای که از چوب تراشیده می‌شد دارای دسته‌ای باریک بود تا در دست جا بگیرد و سر دیگر آن ضخیم و سنگین بود.

رم - سنگهایی مرمرین و مینایی و چهارگوش بودند که به هر طرف آن علایم و اعدادی نقش بسته می‌شد و این سنگها همگی به میله‌ای فلزی متصل بودند، با انداختن آنها به زمین هر یک با یک سمت بر روی زمین قرار می‌گرفت و با خواندن و تعبیر آن نقش‌ها غیبگویی می‌کردند.

زرنا - نوعی دستگاه موسیقی، همانند نی، سُرنا.

ساج - سینی مانندی از فلز که میان آن گوداتر است، سمت بر جسته بیرون از آتش قرار می‌گیرد و وقتی کاملاً داغ شد خمیر را بر رویش انداخته می‌پزند.

سایا - مراجعه شود به کتاب سایاها.

سینکا - فلزی از ترکیب روی و آهن جهت ساختن شیروانی و ناوادان و... از آن استفاده می‌شود. خلبی.

آغی - بایاتی‌های مخصوص مراسم عزاداری.

فایتون - ارابه‌ای تک اسبه و یا دو اسبه جهت حمل مسافر با روکش چرمی و صندلی‌هایی با روکش محمول. دارای چراغ و بوق و سایر ملزومات.

فنر - چراغ دستی، فانوس، زنبوری

فیته - پارچه‌ای مخصوص جهت پیچیدن به دور کمر در حمامهای عمومی.

قالیش - نوعی کفش که تماماً از چرم سیاه رنگ و یا نوع مشابه

پلاستیک ساخته می شود.

دایره - از دستگاههای موسیقی. دور آن از چوب یا عاج است و قسمت میانی از پوست آهو یا هر پوست نازک دیگر.

قرهنه - از آلات موسیقی، بزرگتر از نی و معمولاً رنگ آن سیاه است.

قلبیر - وسیله‌ای برای الک کردن بزرگتر از الک است و قسمت میانی آن از حصیر بافته شده است.

کثچه - نمد، پشم کوییده شده.

کرهنه - نوعی شیبور با صدای گوشخراش. به دودکش‌های قابل حمل مخصوص سماور و احاق نیز اطلاق می شود.

کفیر - ماده‌ای معدنی که می‌سابند و به صورت پودر در می‌آورند. برای شستن ظرف فلزی بکار می‌رود.

کلاگه - نوعی روسری و پارچه ابریشمی که مخصوص مناطقی از آذربایجان است.

کوروک - دم آهنگری

کوروک - چادر چرمی روی کالسکه یا دیگر چادرهای چرمی و پارچه‌ای بزرگ.

کولوک خانا - مکانی که خاکستر های روستا یا محله و شهری در آنجا جمع می شود.

گرچه ک - گرفتن پوسته‌های رویه گرد و یا بادام خلال کردن گردو بادام، پسته، فندق، هسته زرد آلو ...

لتر - نوعی چراغ که اطراف آن بجای شیشه از پارچه و کاغذهای مخصوص روغنی استفاده می‌شود. دو نوع آویزی و قابل حمل آن وجود دارد.

لولا - محل اتصال در و یا پنجره و هر چیزی که نیاز به باز و بسته شدن دارد مثل جعبه و گاوه صندوق و یخدان و ...

لوله‌بین - لوله هنگ، آفتابه‌هایی از جنس سفال.

موشار - اره بزرگ که دو دسته در دو طرف دارد و برای بریدن درختهای بزرگ توسط دو نفر مورد استفاده قرار می‌گیرد.

موغام - نوعی ردیف موسیقی و آواز در موسیقی آذربایجان.

میتقال - نوعی پارچه ارزان قیمت و شیری رنگ که بیشتر چهت آستری رختخواب از آن استفاده می‌شود.

ناغارا - نوعی دستگاه موسیقی، اطراف آن از چوب و دو سمت آن از پوست آهو و یا دیگر پوستها است.

روشور - ماده‌ای که از مخلوط پیه و مغز استخوان و سفیدآب ساخته می‌شود جهت استفاده در استحمام.

ورشو - نقره آلمانی، ترکیبی از مس، روی، نیکل، جنس سماور.

یاتا - تپاله‌های آماده جهت سوختن.

۳۵۰ تومان



انتشارات زینب تبریز

نشانی: تبریز - ص.پ ۳۳۶۹ - ۵۱۳۳۵

(لیتوگرافی مجید کرافیک - چاپ آذرآبادکان)